پیشخوان

مجلس در نیل رضاخان به سلطنت چه نقشی داشت؟

وقتی پایگاه مشروطیت حکم استبداد را امضا می‌کند!

■ **محمدرضا کائینی**

این نکته قابل انکار نیست که رضاخان پس از کودتای ۱۲۹۹، با استفاده از ساختارهایی که مشروطیت برای ایران به ارمغان آورده بود، به تدارک استبداد دست یازید! این واقعیت تلخ، سیری خواندنی دارد که در اثر تاریخی-پژوهشی «مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه»، مورد خوانش مستند قرار گرفته است. این پژوهش توسط دکتر علیرضا ملایی توانی انجام شده و مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آن را منتشر ساخته است. مؤلف در دیباچه این اثر، اشاراتی به قرار ذیل دارد:

«تکامل نیافتگی محمل‌های دموکراتیک و فقدان بسترهای نظری و عملی پارلمانتاریسم از یک سو و حضور قدرتمندانه قشرهای اجتماعی ماقبل مدرن از سوی دیگر، در پی بروز جنگ جهانی اول و ازهم گسیختگی سیاسی-اقتصادی و گسترش آشفتگی‌های اجتماعی، مشروطه‌گرایان را به تردید و انفعال افکند و مقدمات رویگردانی از نهضت مشروطه و آرمان‌های مردم‌سالارانه آن را، فراهم ساخت. در نتیجه بستر مساعدی برای گفتمان استبداد روشنفکرانه پدید آمد. رضاخان محصول این فضا بود. او با بهره‌گیری به‌موقع از فرصت‌ها و فضاها و با پشتیبانی روشنفکران اقتدارگرا و قدرت‌های خارجی، توان همه نهادها و نخبگان منفعل را به تحلیل برد و آنها را واداشت در چارچوب قوانین و نهادهای مستقر، وی را تا بالاترین مقامات برکشند! از این پس رضاشاه با مداخله در امر انتخابات و گزینش نمایندگان مورد اعتماد خود، مجلسی وفادار و تحت فرمان پدید آورد.

جست‌وجوی پژوهش‌های مربوط به این موضوع، از یک فقر دامنه‌دار حکایت می‌کند و بی‌شک می‌توان ادعا کرد که هنوز ابعاد گوناگون نقش‌آفرینی مجلس در روند تحکیم دیکتاتوری رضاشاه، ناشناخته باقی مانده است!

رضاخان در دوران تصدی وزارت جنگ

لذا با توجه به خلأهای پژوهشی موجود، هدف این اثر، بررسی علمی، روشمند و تحلیلی رابطه دو متغیر مجلس شورای ملی و تحکیم دیکتاتوری رضاشاه، با تأکید ویژه بر نقش مجلس در فرآیند تحولات سال‌های پس از کودتای ۱۲۹۹ خواهد بود و در واقع، ناظر بر مجموعه تلاش‌ها، مواضع و اقدامات مجلس، در راه صعود رضاخان سردار سپه به وزارت جنگ و نخست‌وزیری، طرح اندیشه جمهوری‌خواهی، تفسیر و بازنگری قانون اساسی به منظور سلب اختیارات قانونی احمدشاه، انتقال حق سلطنت از سلسله قاجاریه به خاندان پهلوی و نهایتاً تحکیم، تثبیت و تداوم حاکمیت مطلقه اوست. با توجه به آنچه گفته شد، اثری که هم‌اینک از آن سخن می‌رود، در هفت فصل تنظیم شده است: فصل اول با رویکردی نظری، به نقش و جایگاه مجلس در نظام‌های دموکراتیک، این موضوع را در ساختار نظام مشروطه و نقش‌آفرینی آن در روند رخدادهای پس از مشروطه با توجه به جایگاه مجلس، ترکیب نمایندگان آن، احزاب و جریان‌های سیاسی و تعامل آن با نهادهای دیگر، بررسی می‌کند. فصل دوم به بررسی نقش مجلس چهارم در روند قدرت‌گیری رضاخان، چگونگی رویارویی وی با مجلس و روند صعود او از سردار سپهی به وزارت جنگ و سپس نخست‌وزیری می‌پردازد. بررسی جنبش جمهوری‌خواهی و نقش مجلس در مواجهه با این جریان و نیز ارزیابی پیامدهای این حرکت، موضوع فصل سوم است. در فصل چهارم نقش و عملکرد مجلس پنجم، در اعطای فرماندهی کل قوا به رضاخان و سلب اختیارات احمدشاه با توجه به مقدمات و پیامدهای آن، بررسی می‌شود و فصل پنجم، پس از ارزیابی فضای سیاسی کشور و همکاری‌های نزدیک‌تر مجلس با رضاخان، به چگونگی صعود سردار سپه به تخت سلطنت اختصاص دارد. فصل ششم با توجه به نقش مجلس و ماهیت آن در ساختار حکومت خودکامه رضاشاه، به بررسی ترکیب نمایندگان مجلس، مکانیسم انتخابات آن و فعالیت احزاب و جریان‌ها سیاسی دوره خفقان همت می‌گمارد و سرانجام، موضوع فصل واپسین نیز، بررسی نقش مجلس در فرآیند اقدامات شبه‌مدرنیستی رضاشاه در حوزه‌های اقتصاد ملی، نوسازی‌های حقوقی و تحولات اجتماعی-سیاسی این دوره است...».

دیدار محمدرضا پهلوی با فرستاده دولت اسرائیل به ایران

اسرائیل و ایران، از تعامل تا تقابل، در آیینه تاریخ

روایتی از تبدیل «امریکای کوچک» به «شیطان کوچک»

■ **رضا زارع فاروقی**

رابطه ایران و اسرائیل، از بدو پیدایش این به اصطلاح کشور، فراز و فرودهای فراوانی را طی کرده است. در مقال پی آمده، این داستان پرماجرا، طی بخش‌هایی دسته‌بندی شده، روایت شده است. امید آنکه تاریخ‌پژوهان معاصر ایران، و عموم علاقه‌مندان را مفید و مقبول آید.

■ **زمینه‌های شکل‌گیری اسرائیل**

سازمان‌های یهودی و صهیونیستی، که با برگزاری کنگره بال سوئیس در سال ۱۸۹۷ میلادی، چهره آشکاری در رسانه‌ها و افکار بین‌المللی به رهبری «تئودور هرتزل» از خود نشان دادند، در جنگ جهانی اول، به اعلامیه بالفور رسیدند و در جنگ جهانی دوم، با مظلوم‌نمایی گسترده و تبلیغات همه‌جانبه تحت عنوان «هولوکاست»، بستر لازم را برای ایجاد دولت صهیونیستی فراهم آوردند. این سازمان‌ها در پرتو فعالیت‌های تبلیغاتی شدید و ماهرانه آژانس یهود و پشتیبانی قدرت‌های بزرگ به ویژه امریکا، و بهره‌گیری از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۲۹ نوامبر ۱۹۴۷، مبنی بر «تقسیم فلسطین به دو منطقه عربی و یهودی» و در پی عقب‌نشینی نیروهای انگلیسی از فلسطین و با استفاده از ضعف اعراب، توانستند موجودیت آن را در ۱۴ می ۱۹۴۸، توسط دیوید بن گورین اعلام کنند. برخی قدرت‌ها از جمله امریکا، پس از ۱۱ دقیقه اسرائیل را به رسمیت شناختند و رژیم محمدرضا پهلوی نیز، از میان گزینه‌های موجود بدترین گزینه را، که همان حمایت از اسرائیل بود، برگزید!

■ **حمایت شاه ایران از اسرائیل**

اعلام تأسیس اسرائیل، بازتاب‌های وسیع و گسترده‌ای در سراسر جهان و همچنین در ایران به دنبال داشت. ایرانیان در آن ایام، گرفتار مشکلات سیاسی و اقتصادی خود بودند اما روحانیون و بخشی از اقشار مردم، ضمن همدردی با فلسطینی‌ها، ناخرسندی شدید خود را از مسئله فلسطین و زورگویی‌ها و کشتار صهیونیست‌ها اعلام کردند. البته در این میان، واکنش آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام به رهبری شهید نواب صفوی، از همه بیشتر و شدیدتر بود به گونه‌ای که ۵هزار نفر از فدائیان اسلام، آماده نبرد در صحنه‌های جنگ در برابر اسرائیل شدند!

رژیم محمدرضا پهلوی نه تنها مانع حضور مردم برای حمایت از فلسطینی‌ها شد، بلکه به شناسایی موقت رژیم صهیونیستی اقدام کرد و پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی اطلاعاتی، نظامی و فرهنگی به صورت عمدتاً پنهانی، به ایجاد رابطه با اسرائیل پرداخت. این روابط از تعادل و توازن نسبی و تأثیرپذیری و تأثیرگذاری یکسان بر اساس عرف بین‌المللی برخوردار نبوده، بلکه اسناد موجود بیانگر این واقعیت است که این اسرائیل بود که در این روابط، تأثیرگذاری و دست برتر را در همه ابعاد داشت.

■ **اسرائیل، امریکای کوچک از منظر شاه ایران**

عواملی همچون نیاز شاه به اسرائیل به عنوان حامی در منطقه خاورمیانه، به دلیل فقدان پایگاه مردمی و وابستگی به بیگانگان، نیاز اطلاعاتی و امنیتی، نیاز به استفاده از کارشناسان و مهندسان و پژوهشگران اسرائیلی، نیاز به آموزش نیروی انسانی در ابعاد گوناگون، خودشیفتگی و نیاز روانی شاه به تملق وی از سوی رسانه‌ها و مقامات اسرائیل و همچنین فاکتورهای دیگری از جمله علاقه‌مندی شاه به اسرائیل به عنوان تأمین کننده مطمئن تسهیلات، الگوی پیشرفت در بخش‌های مختلف، متحد استراتژیک در تحولات منطقه خاورمیانه، مرکز مطمئن خرید نفت و ارسال آن به اروپا و پل ارتباطی با واشنگتن برای شکستن مقاومت‌های احتمالی درخواست شاه از امریکا، همگی سبب شده بود تا در نگاه شاه، اسرائیل در خاورمیانه به منزله «امریکای کوچک» تلقی شود، که می‌تواند نقش تکمیل و تأمین کننده نیازهای امریکایی شاه، در سطح بین‌المللی را ایفا کند.

■ **عوامل مؤثر در علاقه‌مندی اسرائیل به ارتباط با ایران**

اسرائیل از روابط پنهانی و آشکار با محمدرضا پهلوی، در ابعاد مختلف سودهای سرشاری کسب کرده بود، که فهرست وار به آنها اشاره می‌شود:

۱- خروج از انزوا، در برابر محاصره اعراب.

۲- جلوگیری از آسیب‌پذیری اسرائیل با نگاه به ایران، به عنوان بخش مؤثری از کمربند امنیتی پیرامونش.

۳- وجود تعداد زیاد یهودیان در ایران، به عنوان منبع بزرگ اطلاعاتی اجرای خط مشی موردنظر اسرائیل.

۴- وجود مرکز بهائیت در اسرائیل و استفاده ابزاری از بهائیان، با توجه به نفوذ در دستگاه‌های مختلف دولتی، به ویژه در زمان تصدی ۱۳ ساله نخست‌وزیری هویدا.

۵- تأمین نفت مورد نیاز اسرائیل از ایران و حصول اطمینان از تداوم جریان آن، به ویژه در زمان تحریم نفتی کشورهای عربی.

۶- رونق بخشیدن به اقتصاد اسرائیل، با صادرات انبوه کالاها و محصولات این کشور، به بازار پرسود ایران.

۷- زمینه‌سازی فعالیت شرکت‌های متعدد اسرائیلی، به منظور کسب درآمد سرشار، ایجاد شغل و نفوذ در تمام شئون مملکت و در واقع اعزام بیشتر متخصص به ایران، نسبت به دیگر کشورهای دنیا.

۸- تأسیس پایگاه‌های برون‌مرزی در برخی استان‌های ایران، برای عملیات جاسوسی و کنترل اعراب منطقه.

۹- کسب درآمد از طریق فروش تسلیحات و تجهیزات نظامی و ایجاد نوعی وابستگی.

۱۰- امکان استفاده از مطبوعات، نویسندگان و روزنامه‌نگاران، با دعوت از آنان به اسرائیل و ابزارهای دیگر فرهنگی تبلیغی، برای ترسیم چهره‌ای مطلوب از اسرائیلی‌ها، نزد افکار عمومی ایران و مسلمانان جهان و نوشتن مقاله و تهیه خبر، علیه ملت مظلوم فلسطین.

۱۱- توسعه سیاست گرایش به اسرائیل و ضدیت با اعراب، در میان مقامات ایرانی، به وسیله تبلیغات هدفدار مبنی بر تفاوت‌های زبانی، ایدئولوژیکی، نژادی و فرهنگی ایران با اعراب.

۱۲- دامن زدن به موضوعاتی، همچون ادعای اعراب درباره خوزستان، نام خلیج فارس و غیره.

۱۳- امکان استفاده از تجهیزات نظامی، لجستیکی و پشتیبانی در مواقع لزوم و در برابر تحریم‌های احتمالی یا جنگ با اعراب.

۱۴- استفاده ابزاری و تبلیغاتی از عنوان «کوروش»، به منظور اثبات پیوند تاریخی و فرهنگی قوم یهود و ایران، برای گسترش روابط در حال و آینده.

۱۵- جبران فقدان عمق استراتژیک اسرائیل، تا حدودی با نگاه راهبردی به موقعیت جغرافیایی ایران، با توجه به آینده منطقه و در نظر گرفتن اهداف و تمایلات بزرگ این رژیم بر اساس شعار «از نیل تا فرات».

■ **نقش عوامل بازدارنده در روابط ایران و اسرائیل**

در برابر عوامل گسترش‌دهنده روابط، موانع و عوامل بازدارنده‌ای هم وجود داشت، که می‌توان از آن جمله به واکنش‌های شدید برخی کشورهای عربی و فعالیت‌های گسترده داخلی، به ویژه از سوی نیروهای مذهبی و مخالف رژیم اشاره کرد. این عوامل در مقاطع مختلف زمانی، نقش خود را آشکار کردند. در دوران پیروزی نهضت ملی با تلاش‌های چشمگیر آیت‌الله کاشانی، شناسایی اسرائیل فسخ شد و در جریان نهضت سال ۱۳۴۲، شاه در پاسخ به درخواست دیوید بن گوریون بنیانگذار دولت اسرائیل، مبنی بر آشکارسازی روابط، مانع اصلی را مخالفت جدی و واقعی روحانیون اعلام کرد. در این میان، حضرت امام خمینی(ره) نقش محوری و اساسی را، به عنوان مهم‌ترین عامل بازدارنده ایفا کرد. ایشان در اوج قدرت رژیم شاه، همواره افشاکننده روابط پنهانی شاه و اسرائیل بودند و همین امر سبب شد که حتی تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، از آشکارسازی کامل و رسمی شدن روابط جلوگیری شود. مبارزه علیه روابط ایران و اسرائیل در دوران نهضت اسلامی، به یکی از انگیزه‌های اصلی قیام حضرت امام تبدیل شده بود و فصل مشترک حرکت گروه‌های مختلف، علیه شاه به شمار می‌رفت، به گونه‌ای که می‌توان این موضوع را، یکی از عوامل مهم حرکت‌آفرین و شتابزا در نهضت انقلاب اسلامی برشمرد.

آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی

> **اعلام تأسیس اسرائیل، بازتاب‌های وسیع و گسترده‌ای در سراسر جهان و همچنین در ایران به دنبال داشت. در این میان، واکنش آیت‌الله کاشانی و فدائیان اسلام به رهبری شهید سیدمجتبی نواب‌صفوی، از همه بیشتر و شدیدتر بود به گونه‌ای که ۵هزار نفر از فدائیان اسلام، آماده نبرد در صحنه‌های جنگ در برابر اسرائیل شدند!**

> **عواملی همچون نیاز شاه به اسرائیل به عنوان حامی در منطقه خاورمیانه، به دلیل فقدان پایگاه مردمی و وابستگی به بیگانگان، نیاز اطلاعاتی و امنیتی، نیاز به استفاده از کارشناسان و مهندسان و پژوهشگران اسرائیلی، نیاز به آموزش نیروی انسانی در ابعاد گوناگون، خودشیفتگی و نیاز روانی شاه به تملق وی از سوی رسانه‌ها و مقامات اسرائیل و نیز فاکتورهای دیگر، همگی سبب شده بود تا در نگاه شاه، اسرائیل در خاورمیانه به منزله «امریکای کوچک» تلقی شود!**

■ **پیروزی انقلاب اسلامی، بزرگ‌ترین گام استراتژیک در حمایت از فلسطین**

اسرائیلی‌ها با توجه به برخورداری از سیستم‌های اطلاعاتی قدرتمند و نفوذ گسترده در سازمان‌های دولتی و شناخت از دربار و خصوصیات شاه، در ارزیابی خود در قطعی بودن سقوط شاه، زودتر از دیگران به نتیجه رسیدند و از انقلاب اسلامی، با تغییر زلزله در منطقه یاد کردند اما با وجود این، همچنان به ایران با نگاه گذشته و تفکرات ژئوپلتیکی دهه‌های قبل می‌نگریستند و بر این باور بودند که تحولات ایجاد شده در ایران، مسئله‌ای موقتی است و پس از مدتی، هم‌گرایی طبیعی ایران و اسرائیل و تمایلات ضدعربی، دوباره تحقق خواهد یافت. به همین دلیل بود که در هفته اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی، حاضر به ترک ایران نشدند. آنها در این باره، به لحاظ عدم شناخت واقعی و ناتوانی از درک صحیح حقیقت انقلاب اسلامی، نتوانستند به درستی آن را تحلیل کنند و رویدادها آن‌گونه که می‌اندیشیدند، تحقق نیافت! با پیروزی انقلاب اسلامی و واگذاری سفارت اسرائیل به نمایندگان فلسطین، بزرگ‌ترین گام راهبردی در حمایت از مردم مظلوم فلسطین، برداشته شد و اسرائیل با از دست دادن متحد راهبردی خود در منطقه خاورمیانه، خسارات بسیار سنگین و جبران‌ناپذیری دید. با پیروزی انقلاب اسلامی، در واقع یک چرخش کامل در این روابط صورت گرفت و از یک سو، اسرائیل بزرگ‌ترین متحد استراتژیک خود را در خاورمیانه از دست داد و از سوی دیگر، بزرگ‌ترین گام استراتژیک در حمایت از مردم مبارز فلسطین، برداشته شد و عنصر «مقاومت» در برابر اسرائیل جان تازه‌ای گرفت، به گونه‌ای که به صورت آشکار و روشن، تأثیر استراتژیک انقلاب اسلامی، با مقاومت و پیروزی ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان و مقاومت ۳۲ روزه حماس و به ویژه دریافت تجربه‌های محور مقاومت در شرایط دشوار و شکننده چند سال اخیر در محور عراق، سوریه و لبنان در برابر اسرائیل، شکست‌ناپذیری اسرائیل در اذهان حکام کشورهای عربی، در جنگ‌های چند دهه گذشته بین اعراب و اسرائیل را، به شکست‌پذیری اسرائیل تبدیل کرد.

■ **تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر زنده نگه داشتن فلسطین**

از آنجا که ۷۰ سال از ماجرای تراژیک فلسطین می‌گذرد و یک فرآیند طولانی تاریخی پشت سر نهاده شده، نباید گذاشت این فصل مشترک مذاهب گوناگون در اسلام و مورد پذیرش سلایق مختلف، کمرنگ شود و قطعاً دشمنان فلسطین، خواهان همین مسئله هستند، که آن را بی‌اهمیت، بی‌فایده و بی‌نتیجه جلوه دهند. تاریخ به ما آموخته است که برای رسیدن به موفقیت، باید در نقطه مقابل دشمن حرکت کنیم، یعنی مسئله فلسطین را همچنان زنده، شاداب، متحرک و امیدوارکننده، با همه ابزار و امکانات موجود حفظ کنیم، که در این راستا پیروزی انقلاب اسلامی، نقشی تأثیرگذار و تعیین‌کننده داشته است. بی‌تردید زنده نگه داشتن فلسطین، می‌تواند فواید بسیار سودمندی برای جهان اسلام داشته باشد، که از همه مهم‌تر «وحدت» است. به طور قطع، حفظ این مهم، می‌تواند فواید ارزشمند گوناگونی را، به همراه داشته باشد. موضوعاتی همچون دفاع از مظلوم در برابر ظالم، آزادی، استقلال، حق رأی، حق تصمیم‌گیری و حق آزاداندیشی، فقط بخشی از نتایج بسیار مطلوب زنده نگه داشتن یاد و مسئله فلسطین است. مسئله فلسطین، امروزه موضوعی انسانی، عقلانی و اسلامی است که هر کس در این وادی گام بردارد، از جهات مختلف حرکت شایسته‌ای انجام داده و انشاءالله زمین در آینده، از آن وارثان شایسته خواهد بود.

■ **مواضع انقلاب اسلامی با شیطان کوچک، مبتنی بر تخاصم دائم**

با تأسیس جمهوری اسلامی ایران و تغییر در سیاست خارجی آن، ایران از اردوگاه غرب خارج شد و با شدت به رفتار تمدن غرب به خصوص امریکا و اسرائیل، واکنش نشان داد. از نظر جمهوری اسلامی ایران، رژیم اسرائیل غاصب سرزمین فلسطین است و هیچ مشروعیتی ندارد. بنابراین خواستار نابودی آن است و شناسایی این رژیم را برای مسلمانان یک فاجعه می‌داند. از این رو، انقلاب اسلامی با حمایت از گروه‌های ضداسرائیلی در خاورمیانه به خصوص حزب‌الله لبنان و گروه‌های فلسطینی، مخالفت با روند صلح اعراب و اسرائیل، کمک به کشورهای متخاصم با اسرائیل، باز کردن پرونده هولوکاست، تشدید حملات لفظی علیه اسرائیل، تقویت حرکت‌های دولتی و غیردولتی در سطح جهان علیه اسرائیل و تعیین یک روز به نام «روز قدس»، در برابر این رژیم موضع‌گیری کرده است. البته در این زمینه، اسرائیل متقابلاً با کمک قدرت‌ها به ویژه امریکا و برخی کشورهای اسلامی منطقه خاورمیانه، از هیچ کوشش و تلاشی در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، برای از بین بردن و تضعیف نظام جمهوری اسلامی دریغ نکرده است، اما امروزه با قدرت یافتن محور مقاومت و تجارب به دست آمده از حضور میدانی در سوریه، لبنان، عراق و یمن، بیش از هر زمان دیگری آسیب‌پذیرتر و شکننده شده است.

■ **محورهای آسیب‌پذیری اسرائیل**

اعتقاد بیشتر آگاهان، بر این حقیقت استوار است که روند پیدایش و اعلام موجودیت رژیم صهیونیستی اسرائیل، در سرزمین استراتژیک فلسطین، نامشروع بوده و با پشتیبانی قدرت‌های خارجی در منطقه خاورمیانه، ظهور و ادامه یافته است. اما باید این واقعیت را پذیرفت که اسرائیل در نظام فعلی منطقه‌ای و بین‌المللی، بیش از حد و ظرفیت خود، توانسته مورد توجه واقع شود! اگرچه ممکن است این توجه و اهمیت، به جهت بحران‌زایی و بحران‌آفرینی آن رژیم باشد. افزون بر این، با وجود نقاط قوت و تهدیدها از ناحیه اسرائیل و دارا بودن سلاح هسته‌ای و برخورداری از ابزارهای تسلیحاتی مدرن، مقامات رژیم صهیونیستی و حامیان آنها به خصوص امریکا، باید بپذیرند که اسرائیل پس از ۷۰ سال و به ویژه بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بالاخص با تقویت محور مقاومت در منطقه خاورمیانه، به شدت آسیب‌پذیر شده است که به برخی محورهای آسیب‌پذیری اسرائیل، به صورت کلی اشاره می‌شود:

۱- مساعدت اندک و تمرکز جمعیت، به ویژه یهودیان، در امتداد دشت ساحلی از عکا تا عسقلان، سبب شده تا اسرائیل، بیش از هر کشور دیگری آسیب‌پذیر و در معرض خطر باشد. علاوه بر تمرکز جمعیت همه مراکز اقتصادی، فناوری، علمی و آموزشی یهود نیز، در این ناحیه واقع شده است.

۲- فقدان عمق استراتژیک، باریک بودن عرض جغرافیایی و وسعت اندک سرزمین، به گونه‌ای که یک هواپیما می‌تواند با سرعتی کمتر از سرعت صوت، از اسرائیل- که از رود اردن تا دریای مدیترانه و معادل ۴۰ مایل دریایی است- در مدت چهار دقیقه عبور کند!

۳- بحران‌های داخلی از جمله بی‌رج شدن نظامیان برای مدیریت کشوری، خستگی عمومی از جنگ، ناامنی و فرار از خدمت سربازی و مهاجرت معکوس، نشان‌دهنده گونه‌ای از شکاف جدی در اسرائیل است.

۴- مواجه شدن صهیونیست‌ها با چالش جدی از طریق طرح ایران، بر اساس اندیشه یک جنگ اسلامی به جای جنگ عربی علیه اسرائیل و همچنین استراتژی مبنی بر «علاج رهایی از اسرائیل، مقاومت قاطع و مسلحانه» تا نابودی آن رژیم.

۵- تولید انبوه موشک‌های ایرانی با برد مطلوب و دقیق در هدف‌گیری هر نقطه از اسرائیل.

۶- گسترش دامنه بحران تا مرز سرزمین‌های اشغالی و پاسخ‌های کوبنده مقاومت و سوریه، به عنوان نمونه سرنگونی هواپیمای اف ۱۶ اسرائیلی‌ها به وسیله پدافند سوریه.

۷- محصور بودن در میان کشورهای عربی و بسته بودن مرزها برای تبادلات اقتصادی.

۸- بحران آب و همچنین نداشتن معادن زیرزمینی غنی.

۹- وابستگی کامل ارتش اسرائیل به امریکا.

۱۰- موج اسلام‌گرایی به عنوان یک واقعیت جدید در خاورمیانه.

۱۱- کاهش علاقه نسل جدید جامعه اسرائیل، به سرزمین بهشت موعود نسبت به گذشته.

■ **پیش‌بینی آینده اسرائیل از دیدگاه امام خمینی و رهبر معظم انقلاب**

از منظر حضرت امام(ره)، رهایی فلسطین و آزادی بیت‌المقدس از دست اشغالگران، از ابتدای حرکت انقلابی، جایگاه برجسته و ویژه‌ای داشته است. امام راحل، با نامگذاری روز قدس، ایده نابودی اسرائیل و محو آن از نقشه جهان را، عملاً پایه‌گذاری و آن را به آرمان دست‌یافتنی ملت‌های مسلمان، تبدیل کرد. این روزها که اسرائیل، لحظه به لحظه بیشتر در مرداب نابودی و فروپاشی فرومی‌رود، جهانیان به صحت پیش‌بینی حضرت امام، بیش از گذشته پی برده‌اند. افزون بر این، امام خمینی یکی از اثرات دفاع مقدس را، پیش‌بینی آینده فلسطین ذکر کرده، در این باره می‌فرماید: «جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت...». مقام معظم رهبری نیز در شهریور ۱۳۹۴، در دیدار با اقشار مختلف مردم ایران، با اشاره به جعلی بودن دولت صهیونیستی، اظهار کردند: «برخی از صهیونیست‌ها گفته‌اند با توجه به نتایج مذاکرات هسته‌ای، ۲۵ سال از دغدغه ایران آسوده شده‌ایم اما ما به آنها می‌گوییم شما ۲۵ سال آینده را، اصولاً نخواهید دید و به فضل الهی، چیزی به نام رژیم صهیونیستی در منطقه وجود نخواهد داشت!» ایشان تأکید کردند در همین مدت نیز، روحیه اسلامی مبارزه حماسی و جهادی، صهیونیست‌ها را راحت نخواهد گذاشت!

■ **...و کلام آخر!**

در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان به این نتیجه رسید که پیروزی انقلاب اسلامی و استراتژی اتخاذ شده در برابر اسرائیل، به تغییر نوع نگاه به پدیده «امریکای کوچک» منجر شد. در واقع، امریکای کوچک قبل از انقلاب اسلامی، به «شیطان کوچک» پس از انقلاب اسلامی تبدیل شد، زیرا امریکا از حضرت امام، لقب شیطان بزرگ را دریافت کرد. بنابراین، ضعف و آسیب‌پذیری در ساختار حکومتی شیطان کوچک و بحران‌های مختلف دیگری، از جمله وجود شکاف قومی-طبقاتی بین ساکنان صهیونیستی سرزمین‌های اشغالی، شکاف میان مذهبیون و سکولارها و چالش‌های نظامی-امنیتی، فقط بخشی از بحران‌هایی است که اسرائیل را، به شدت به سمت فروپاشی سوق می‌دهد. علاوه بر این، نیروهای مقابل اسرائیل، مثل چند دهه گذشته در موضع شکست و ضعف قرار ندارند و دیگر این گونه نیست، که تنها اسرائیل ضربه‌زننده باشد، بلکه امروزه اسرائیل با وارد کردن یک ضربه، ضربه کوبنده‌تری دریافت خواهد کرد! بر همین اساس، پیش‌بینی‌های حضرت امام و رهبر معظم انقلاب- که الهام گرفته از آموزه‌های دینی است- درباره فروپاشی اسرائیل، ان‌شاءالله به دور از واقعیت نخواهد بود.